



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

Volume 1, Issue 2, 2023

Climate Crimes under the Microscope of Environmental Justice of the International Criminal Court

Peyman Namamian ^{1*} Sobhan Tayebi ²

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Administrative Science and Economy, Arak University, Arak, Iran. (Corresponding Author)

2. Ph.D, Department of Environmental Law, Faculty of Natural Resources and Environment, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 1-11

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-7681-7293

TELL: +988632620000

Email: p-namamian@araku.ac.ir

Article history:

Received: 03 Mar 2023

Revised: 02 May 2023

Accepted: 06 May 2023

Published online: 22 Jun 2023

Keywords:

*Climate Change,
Environmental Justice,
Environmental
Criminalization.*

ABSTRACT

Ecocide is one of the most prominent environmental damages that the international criminal court can effectively play a role in this regard. Environmental crimes and beyond that climate crimes have caused a lots of damages to the biosphere. In this regard, environmental degradation, periodic drought, and global warming are among the dangers that have occurred due to climate change, and the fact that violations of international obligations are practically unpunished has caused this problem to become more critical every day. The emission of greenhouse gases and insufficient commitments have added to these miseries and caused this issue to conflict with environmental justice and practically try to put it under the criminological microscope of the advocates of global jurisdiction. The current research seeks to answer the question, how close is the modernization of the international criminal law system to the realization of the criminalization of climate risks in the light of environmental justice? Our findings in this research actually confirm the hypothesis that the existing capacities indicate the realization of climate criminalization, but the international obligations and responsibility of the governments do not match this trend.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Namamian, P & Tayebi, S (2023). "Climate Crimes under the Microscope of Environmental Justice of the International Criminal Court" . *Journal of International Criminal Law*, 1(2): 1-11.



انجمن علمی هسته‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

جرایم اقلیمی زیر ذره‌بین عدالت زیست‌محیطی دیوان کیفری بین‌المللی

پیمان نامامیان^{۱*}، سبحان طیبی^۲

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. دکتری، گروه حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

اکوساید از برجسته‌ترین آسیب‌های زیست محیطی است که دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند در این خصوص به‌صورت مؤثری ایفاء نقش نماید. در این راستا فروسایبی محیطی، خشکسالی دوره‌ای، گرمایش زیست کره ازجمله مخاطراتی است که به سبب تغییرات اقلیم حادث شده و عملاً بی‌کیفر ماندن نقض تعهدات بین‌المللی سبب گردیده این مسأله هر روز بحرانی‌تر گردد. انتشار گازهای گلخانه‌ای و تعهدات ناکافی بر این مصائب افزوده و سبب شده تا این مهم با عدالت زیست محیطی در تعارض قرار گیرد و عملاً تلاش شود که زیر ذره‌بین جرم‌شناسانه طرفداران صلاحیت جهانی قرار گیرد. این پژوهش با هدف تبیین تحقق این مهم و به‌صورت توصیفی و تحلیلی به ارائه چارچوب‌های مقابله با جرایم اقلیمی می‌پردازد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که تاب‌آوری نظام حقوق بین‌المللی کیفری تا چه میزان به تحقق جرم‌انگاری مخاطرات اقلیمی در پرتو عدالت زیست محیطی نزدیک است؟ یافته ما در این پژوهش در واقع تثبیت این فرضیه است که ظرفیت‌های موجود نشان دهنده تحقق جرم‌انگاری اقلیمی است اما تعهدات بین‌المللی و مسؤولیت دولت‌ها با این روند همخوانی مناسبی ندارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۲۹۳-۷۶۸۱-۱-۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۸۶۳۲۶۲۰۰۰۰

ایمیل: p-namamian@araku.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

تغییرات اقلیمی، عدالت زیست محیطی، جرم‌انگاری زیست محیطی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

این یک واقعیت و همچنین یک دیدگاه پذیرفته شده جهانی است که تغییرات اقلیمی عمدتاً توسط کشورهای توسعه یافته ایجاد شده است. در حالی که کشورهای کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته در هر حال حاضر متضرر شده‌اند و در آینده بیشتر تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. این مسأله از یک سو نشان از آن دارد که کمترین مسؤولیت برای ایجاد آنها، بیشترین نگرانی در مورد عدالت را به همراه دارد؛ از سوی دیگر کشورهای ثروتمندتری که عمدتاً باعث تغییرات اقلیمی شده‌اند، رویکردشان این است که کاهش قابل توجه انتشار گازهای گلخانه‌ای در گروهی متعهد شدن کشورهای کمتر توسعه یافته است. هرچند این دیدگاه به سبب نزدیک بودن به اصل مسؤولیت مشترک اما متفاوت خیلی افراطی نیست. از زمان گزارش هیأت بین‌الدولی تغییر اقلیم در سال ۲۰۱۸ درباره گرمایش ۱،۵ درجه سانتیگراد، جهان می‌داند که تفاوت بین ۱،۵ درجه سانتیگراد و ۲ درجه سانتیگراد معادل مرگ صدها میلیون جاندار است. از این رو، ضرورت دارد که در مورد مسؤولیت کیفری بحث عمومی جدی داشته باشیم. اما در انجام این کار بسیار مهم است که سؤالات مربوط به اینکه چه کسانی باعث ایجاد مشکل شده‌اند و چه کسانی بیشترین تأثیر را متحمل خواهند شد، در رأس چنین تحلیلی قرار گیرد. این رویکرد مسأله مهمی را تحت تأثیر قرار خواهد داد و آن هم مسأله عدالت زیست محیطی است. در حالی که تعاریف مختلفی از عدالت زیست محیطی وجود دارد، ممکن است نگاهی به مفاهیم یا عناصر پذیرفته شده این مهم مفیدتر باشد. در این راستا پنج عنصر عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، عدالت اصلاحی، عدالت اجتماعی و عدالت شناختی از دیرباز پذیرفته شده است. در این راستا، عدالت شناختی مستلزم شناخت تفاوت‌ها «میان گروه‌های بالادست و زیردست جامعه» و «اعتراف به نهادینه‌سازی سوگیری‌های ناخودآگاه، فرآیندهای پردکننده و قضاوت‌های هنجاری» است که از طریق ساختارهای اجتماعی کار می‌کنند تا نتایج متفاوت نژادی آشکار شوند.

افزون بر این، عدالت توزیعی مربوط به توزیع عادلانه و مساوی هزینه‌ها و منافع و مرتبط با عدالت رویه‌ای است. در

نهایت، مفهوم اساسی پنداشتن عدالت زیست محیطی به عدالت شناختی نزدیک‌تر است. بنابراین بایستی مراقب توازن نژادی، اقتصادی و عدالت زیست محیطی و جرم‌انگاری زیست محیطی با توجه به مسؤولیت دولت‌ها باشیم.

در مواجهه با جرایم اقلیمی، سازوکارهای حقوقی و زیست محیطی وجود دارد که در این نوشتار سعی بر آن خواهد شد تا زوایا و معیارهای حقوقی آن مورد مذاقه قرار گیرد. از این رو، ضمن تدقیق و بررسی مبانی حقوقی و سنجش موازین کیفری بین‌المللی، نگارنده درصدد ارائه نتایج حاصل از مطالعه و ارزیابی موازین خواهد بود. لازم به ذکر است که روش پژوهش، از نظر هدف، «اکتشافی و توسعه‌ای» و از حیث گردآوری داده‌ها، «توصیفی و کتابخانه‌ای» است.

در خصوص پژوهش حاضر برخی پژوهشگران به صورت غیرمستقیم نکاتی را به نقش قلم آراسته‌اند که از جمله آن می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

وحید بذار (۱۴۰۰) در پژوهش خود تحت عنوان «اکوسید و دیوان کیفری بین‌المللی» که در تالار گفتگوی تخصصی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد انتشار یافته بیان می‌دارد: «اگرچه جرایم زیست محیطی در گروه دوازده گانه جرایم دیوان قرار گرفت اما بعد از تصویب اساسنامه دیوان جزء چهار جرم قرار نگرفت و کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای نقش اساسی در حذف آن داشتند». در این راستا ایشان اذعان می‌دارد که با توجه به فحواهی اساسنامه دیوان، اگر جرم زیست محیطی در کنار دیگر جرایم در لیست قرار بگیرد یک گام بسیار بلند در جهت تحقق صلاحیت جهانی برداشته می‌شود.

غلامرضا قلی پور و نسرين مهرا (۱۳۹۹) در پژوهش خود تحت عنوان «جنایت اکوساید؛ گذشته، حال و آینده» که در مجله پژوهش حقوق کیفری دوره هشتم شماره سی‌ام انتشار یافته بیان می‌دارند: «به منظور پایان دادن به بی‌کیفرمانی جرایم زیست محیطی، جامعه بین‌المللی بایستی به صورت مستقل به جرم انکاری اکوساید به عنوان شدیدترین و مهم‌ترین مسأله بپردازد و رسیدگی به این جنایت را در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار دهد».

چشمگیری نداشته‌اند. (بذار، ۱۴۰۰: ۳) کشورهای توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته زمان بیشتری برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای نیاز دارند زیرا برای توسعه به انرژی نیاز دارند. این امر آنها را به‌طور بالقوه در برابر یک جنایت جدید اکوساید در دیوان بین‌المللی کیفری آسیب پذیرتر می‌کند زیرا این جنایت به تغییرات اقلیمی مربوط می‌شود و بنابراین بی‌عدالتی را تشدید می‌کند و برخلاف عدالت اصلاحی است.

محدودیت دیگر ظرفیت و تمایل به تعقیب است که در ماده ۱۷ اساسنامه رم به آن اشاره شده است و بیان می‌دارد که یک پرونده فقط زمانی قابل پذیرش است که دولت واقعاً مایل یا قادر به انجام تحقیقات یا تعقیب نباشد. این بدان معنا است که دیوان بین‌المللی کیفری فقط در مواردی که تشخیص دهد ظرفیت یا تمایل به انجام تحقیق و تعقیب دچار ضعف است، پیگرد قانونی خواهد داشت. این مهم به‌عنوان «پذیرش ناتوانی و وابستگی دولت» توصیف شده است. (11 Climate Crime at the ICC, 2022) در زمینه تغییرات اقلیمی، این مانع دیگری در برابر هرگونه پیگرد قانونی کشورهای غربی است و اصل عدالت رویه‌ای را نقض می‌کند. در این راستا و در جهت مرتفع نمودن برخی از محدودیت‌ها حتی‌المقدور بایستی سویه‌های عدالت، صلاحیت دیوان و جرم‌انگاری اقلیمی را به هم نزدیک کرد.

۱-۲- بی‌عدالتی در اصلاح روند تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای

با توجه به تغییرات اقلیمی، آیا دیوان بین‌المللی کیفری با عنایت به ظرفیت‌های قانونی، می‌تواند آسیب‌های ایجاد شده را مورد پیگرد قانونی قرار دهد؟ و این مهم چگونه میسر است؟ در این خصوص می‌توان بیان داشت که دو راه برای تعقیب کیفری توسط دیوان بین‌المللی کیفری وجود دارد، یکی امضای اساسنامه رم و پذیرفتن صلاحیت دیوان و دیگری ارسال پرونده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد. در این راستا سه کشور ایالات متحده آمریکا، چین و روسیه عامل اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای و سهم بیشتری در تغییرات اقلیمی دارند و نکته جالب این است که هیچ کدام از امضاکنندگان اساسنامه رم نیستند و هر سه عضو دائمی

سبحان طیبی و مهناز ضرابی (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان «دیپلماسی محیط زیست و تغییرات اقلیمی؛ راهبردی سازنده و رهیافتی کاهنده» که در مجله انسان و محیط زیست شماره ۴۷ انتشار یافته بیان داشته‌اند: «مخاطرات زیست محیطی به‌عنوان مشکل فراروی جامعه جهانی قرار دارد و تغییرات اقلیمی از جمله مخاطرات نوظهوری است که بایستی با تعاملات بین‌المللی حتی‌المقدور کاهش یابد.»

پیمان نمایان و سبحان طیبی (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان «نکات انتقادی از عدالت زیست محیطی و توسعه پایدار» که در مجله انسان و محیط زیست شماره هشت دوره بیست و دوم انتشار یافته بیان داشته‌اند: «توسعه به‌عنوان یک مفهوم مترقی بایستی به چارچوب‌های محیط زیست احترام بگذارد و این یک نگاه حقوق بشری است. در واقع نگاه حقوق بشری در تعامل با عدالت زیست محیطی همگام با رفتار منصفانه قرار می‌گیرد.»

۱- مبانی نظری

۱-۱- از بی‌عدالتی رویه‌ای تا به‌رسمیت شناختن عدالت

رویکردهای جهان سوم به حقوق بین‌الملل این ایده را که حقوق بین‌الملل در همه‌جا قابل اجرا است را به چالش می‌کشد. این امر عدالت شناختی را در بر می‌گیرد و مسأله نژاد باید آشکارا با آن روبه‌رو شود. در بررسی جرم اکوساید در دیوان بین‌المللی کیفری، از آنجایی که به تغییرات آب و هوایی مربوط می‌شود، نقش مهم حقوق بین‌الملل در ایجاد عدم تعادل ثروت و قدرت باید به صراحت مورد توجه قرار گیرد. این مسأله بر سایر امور حقوق بین‌الملل از جمله دیوان بین‌المللی کیفری تأثیر می‌گذارد. محدودیت‌هایی در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری وجود دارد که باعث ایجاد بی‌عدالتی می‌شود، زیرا به تغییرات آب و هوایی و اکوسایدها مربوط می‌شود. یکی بحث موقتی بودن این مسأله است، دیگر اینکه جرایم نمی‌توانند عطف به ماسبق شوند و بنابراین پیگرد قانونی برای اکوساید تنها می‌تواند برای اقداماتی صورت گیرد که در اساسنامه رم به‌عنوان جرم درج شده باشد. کشورهای توسعه یافته ظرفیت بیشتری برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای داشته‌اند و این در حالی است که همه آنها مانند کانادا چنین ظرفیتی ندارند و یا مانند بریتانیا پیشرفت

گسترده و موجهی در سطح بین‌المللی ناشی از وقوع جرایم وجود دارد و به نوعی فراگیر شده و پای صلاحیت جهانی به میان آمده است. لذا این مهم بایستی در فرآیند پیگیری قرار گیرد. نهاد مناسب بین‌المللی سازمان ملل برای رسیدگی به این موضوع می‌تواند مجمع عمومی سازمان ملل باشد. جایی که «یک ملت یک رأی» وجود دارد، یا مجمعی باشد که توسط کشورهای تشکیل شود که بیشترین تأثیر را از تغییرات اقلیمی دارند.

اگر عدالت تنها دغدغه بود و واقعیت‌های قدرت جهانی نبود، شاید عادلانه‌ترین راه‌حل، دادگاه جدیدی شبیه به دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی یا شبیه به آن بود، اما توسط کشورهای در حال توسعه اداره می‌شد و بر کشورهایی که سبب ایجاد مخاطره شده‌اند اعمال صلاحیت می‌کرد. برای مطابقت با اصول اولیه عدالت زیست محیطی، هر جنایت یا فرآیند بین‌المللی ایجاد شده برای رسیدگی به تغییرات اقلیمی باید تفاوت‌های ساختاری و پیشینه مشترک کشورها در این خصوص همچون ثروت هنگفتی را که در مسیر ایجاد مشکل اقلیمی توسط جهان غرب ایجاد شده، رنج عظیم فقرای جهان و مردم و ملل رنگین‌پوست در نتیجه آن و بی‌عدالتی اجتماعی ناشی از تغییرات اقلیمی را بشناسد. مهم‌تر از همه، با هدف رسیدگی به عدم تعادل و اصلاح آن اقدام گردد. بنابراین، کشورهای در حال توسعه، بنابر مسؤولیت مشترک اما متفاوت بایستی هدایت فرآیند عادلانه در جهت تحقق کاهش مخاطرات اقلیمی را مدنظر قرار دهند. (Shue, 2014: 26)

۲- عدالت بین‌المللی اقلیمی و تغییرات اقلیمی؛ گامی به سوی صلح و امنیت جهانی

اگر به تفاوت بین تغییر اقلیم و تغییر آب و هوا قائل باشیم، بایستی به یک نکته مهم مجدداً توجه داشته باشیم و آن هم تعامل بین کشورهای شمال و جنوب است. پروفیسور نایجل ساوت این را به‌عنوان «شکاف آب و هوا» توصیف می‌کند و آن را اینگونه تعریف می‌کند: «... شرایطی که در آن شرایط ایجاد تغییرات اقلیمی عمدتاً توسط جوامع مصرف‌کننده ثروتمند ایجاد می‌شود، اما بیشترین هزینه‌ها و بدبختی‌های ناشی از آن را بر کشورهای فقیر و تازه در حال توسعه تحمیل می‌کند». این

شورای امنیت سازمان ملل هستند و در نتیجه حق وتو دارند. بنابراین، تنها راه برای مورد پیگرد قراردادن افرادی از این سه کشور توسط دیوان بین‌المللی کیفری به‌دلیل اکوساید تغییرات اقلیمی، این است که شورای امنیت سازمان ملل این پرونده را ارسال کند و آنها با وتو جلوی آن را نگیرند. این همان جایی است که سیاست وارد عمل می‌شود. آلمان چهارمین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای، انگلستان پنجمین، فرانسه هفتمین و کانادا نهمین کشور هستند. آیا واقعاً می‌توان فکر کرد که دیوان بین‌المللی کیفری رهبران آنها را محاکمه خواهد کرد؟

پاسخ به این سؤال احتمالاً منفی است چراکه دیوان بین‌المللی کیفری برای کدام جنایات توانسته سران این کشورها را محکوم کند که بتواند در این مورد نیز ورود داشته باشد. انگلستان صلاحیت دیوان را پذیرفته ولیکن آیا به‌خاطر تهاجم غیرقانونی به عراق تحت لوای نیروهای ائتلاف، دیوان توانست سران آن را تعقیب نماید؟ این مسأله‌ای است که عدالت زیست محیطی را دچار اشکال می‌کند. به‌عنوان مثال دیگر، زمانی که دیوان بین‌المللی کیفری به تحقیقات ایالات متحده برای جنایات در افغانستان اشاره کرد، رئیس‌جمهور وقت ترامپ تحریم‌هایی را علیه دو عضو سیاه‌پوست آفریقایی دفتر دادستانی دیوان بین‌المللی کیفری صادر کرد. بنابراین، پیگرد قانونی برای اکوسایدها از آنجایی که به تغییرات اقلیمی مربوط می‌شود، عملاً در برابر بزرگترین تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای دشوار است. (Owiso, 2021: 17) در این راستا محاکمه رهبران یا شهروندان کشورهای توسعه نیافته که کمترین کمک را داشته‌اند و در حال حاضر بیشترین هزینه را پرداخت کرده‌اند، برعکس عدالت اصلاحی خواهد بود؛ و این در حالی است که کسانی که بیشترین آسیب را وارد کرده‌اند، از عدالت فرار می‌کنند.

۱-۳- انتظار هدایت فرآیند عادلانه توسط کشورهای در حال توسعه

نیاز به گفت‌وگو میان ملت‌ها و دولت‌ها یک امر اجتناب‌ناپذیر است. در حالی که درست است که کشورهای آفریقایی محرک‌های ایجاد دیوان بین‌المللی کیفری بودند، اما اکنون نارضایتی

گزارش اخیر «ششمین گزارش ۲۰۲۲» ارزیابی هیأت بین دولتی تغییر اقلیم به وضوح نشان می‌دهد که همه کشورها باید تهدید تغییرات آب و هوایی را جدی‌تر بگیرند. ما مرزهای سیاره‌ای خود را به خطر می‌اندازیم و برخی از این مرزها در نقطه شکست هستند. زمان آن فرا رسیده است که همه افراد، دولت‌ها و کسب و کارها تصمیماتی اتخاذ کنند که منعکس کننده و احترام به آن مرزها باشد. در همین راستا، آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل متحد بیان داشته که تغییرات آب و هوایی «تأثیر چند برابری دارد و عاملی تشدیدکننده برای بی‌ثباتی، درگیری و تروریسم است». (IPCC, 2022: 11) مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی در یک چارچوب قانونی و تحت نظارت چندلایه معاهداتی جهت حفظ عدالت مطابق با فرآیندهای موجود و حاکمیت حقوق جهانی در جهت نظم جهانی و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است. (طیبی و پوره‌اشمی، ۱۳۹۶: ۳۸) با این وصف تشدید تغییرات اقلیمی، مغایرت جدی با صلح بین‌المللی و امنیت جهانی دارد.

۳- به‌سوی حقوق بین‌المللی کیفری اقلیمی تحول‌گرا

مقررات موجود در خصوص تغییرات اقلیمی نشانگر نقطه تحول و این تازه شروع تفکر در این زمینه است. پروفیسور پاتریک کینان خاطر نشان می‌کند که «اگر حتی برآوردهای نسبتاً محافظه‌کارانه از تأثیرات تغییرات آب و هوایی محقق شود، مسائل حقوقی کافی برای نسلی از حقوق‌دانان و محققان وجود خواهد داشت که به آن رسیدگی کنند». این مهم را می‌توان در مورد حقوق بین‌المللی کیفری که به تغییرات اقلیمی مربوط می‌شود نیز گسترش داد. یک نسل کامل از رهبران جهان وجود دارند که زیر نظر آنها نابودی تمدن آغاز شده است. نسل جدید در مراکز عمومی بیرون آمده‌اند و شکست‌های اقلیمی دولت‌های خود را به چالش می‌کشند. هنگامی که آنها قدرت را به دست می‌گیرند، به راحتی می‌توان تصور کرد که آنها به دنبال پاسخ‌گویی هستند. در همین راستا، ایجاد یک دادگاه مستقل کیفری شاید امکان نداشته باشد اما در بدنه دیوان بین‌المللی کیفری می‌توان این موضوع را به نتیجه رساند.

رودا ورهین، وکیل و قاضی آلمانی، دادگاه جدیدی را برای رسیدگی به دعاوی علیه کشورهای عمده آلوده کننده کربن پیشنهاد کرده است. با این حال، مشخص نیست که چنین

همان سوبه‌ای است که عدالت زیست‌محیطی را دچار اختلال می‌نماید. یکی از ویژگی‌های کلیدی عدالت زیست‌محیطی و اقلیمی این است که «ما برای خودمان صحبت می‌کنیم». پروفیسور دیورا مک گرگور عدالت محیطی را چنین توصیف می‌کند: «...در مورد روابط قدرت بین مردم و بین مردم و نهادهای مختلف استعمار، این موضوع به مسائل مربوط به تسلط فرهنگی، تخریب محیط زیست و نابرابری از نظر چگونگی تأثیر متفاوت گروه‌های خاصی از مردم توسط تخریب محیط‌زیست از سایرین مربوط می‌شود».

عدالت اقلیمی به‌عنوان اصرار بر تغییر گفتمان درباره گازه‌های گلخانه‌ای و ذوب یخ‌ها به جنبش حقوق مدنی با مردم و جوامعی که در قلب آن آسیب‌پذیرتر از تأثیرات آب و هوایی توصیف شده، این عدم تعادل را توصیف می‌کند. (Lovelace, 2009: 37) به هر ترتیب، بحران آب و هوا در ریشه‌های خود نتیجه آن است که انسان‌ها از مسیر زیست‌محیطی حیات همگام با عدالت و پایداری منحرف شده‌اند. این نتیجه فراموشی این است که ما شهروندان زمین هستیم و از این رو عدم توازن حاصل در رابطه بین «زمین و گونه‌هایش» به‌عنوان ورود خسارت و ضرر تعبیر می‌شود. به هر ترتیب، ما به‌عنوان یک جامعه جهانی که تا این حد از تعادل خارج شده و در آستانه نابودی خود هستیم، باید به دنبال ابزارهای بازگرداندن تعادل باشیم. یکی از راه‌های انجام این کار این است که از کسانی که باعث آن شده‌اند حساب پس دهند و پاسخگو باشند.

تغییرات آب و هوایی نه تنها افراد را تهدید می‌کند، بلکه صلح و امنیت جهانی را نیز تهدید می‌کند. پاتریشیا اسپینوزا، دبیر اجرایی کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا، در اولین هفته آب و هوای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) در ۲۵ مارس ۲۰۲۲ گفت: «تغییر اقلیم یک پدیده بی‌ثبات کننده است که می‌تواند امنیت غذایی، امنیت آب، امنیت انرژی و امنیت انسانی را تحت تأثیر قرار دهد». شدت تأثیرات و پتانسیل اختلالات اجتماعی، تغییرات آب و هوایی را بیش از یک تهدید امنیتی نشان می‌دهد. از این رو، تغییر آب و هوا تهدیدی جدی برای زندگی است که ما آن را می‌شناسیم.

رساند که در آن بیان که داشتند مواردی که شورای امنیت در مورد صلح و امنیت بین‌المللی به دلیل عدم اتفاق آرا اعضای دائمی، مسؤولیت اصلی خود را برای حفظ صلح انجام نمی‌دهد، مجمع عمومی به این موضوع رسیدگی خواهد کرد.

قطعنامه ۳۷(V)، در مورد «اتحاد برای صلح» با یادآوری دو هدف اصلی سازمان ملل متحد، «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» و «توسعه روابط دوستانه میان ملت‌های مبتنی بر صلح» و در مورد احترام به اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردم و اتخاذ تدابیر مناسب دیگر برای تقویت صلح جهانی آغاز شد.

این اهداف دقیقاً با چالش تغییرات اقلیمی منطبق است و شورای امنیت سازمان ملل از طریق طراحی دیوان بین‌المللی کیفری، از پیگرد قانونی سران کشورهای دارای حق وتو، چه در مورد ایالات متحده آمریکا و روسیه و چه در مورد چین، که خود را تابع دیوان بین‌المللی کیفری نکرده‌اند، عملاً جلوی تعقیب را گرفته است. صلاحیت قضایی شامل بریتانیا و فرانسه می‌شود، اما احتمالاً هرگز تحت پیگرد قانونی قرار نخواهند گرفت، زیرا دیوان بین‌المللی کیفری به دلیل صلاحیت قضایی «پرکننده شکاف» خود به دولت موکول می‌شود، جایی که هدف آن فقط تعقیب در مواردی بود که دولت اصلی نمی‌خواهد یا قادر به انجام آن نیست، این کار را انجام دهد.

مقدمه قطعنامه ۳۷۷ (V) همچنان شکست شورای امنیت سازمان ملل را تکرار می‌کند و سپس می‌گوید که با اذعان به این که چنین شکستی باعث سلب حقوق مجمع عمومی یا سلب مسؤولیت آن بر اساس منشور در رابطه با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نمی‌شود، مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفت که: «اگر شورای امنیت به دلیل عدم اتفاق آرا اعضای دائمی، مسؤولیت اصلی خود را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در هر موردی انجام ندهد، مجمع عمومی فوراً موضوع را با هدف ارائه توصیه‌های مناسب به اعضا برای اقدامات دسته جمعی، از جمله در مورد نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه، استفاده از نیروی مسلح در صورت لزوم، برای حفظ و برقراری صلح و امنیت

دادگاه کیفری تاکنون پیشنهاد شده باشد. دادگاه‌های منطقه‌ای نیز پدیده‌ای نسبتاً جدید و در حال تحول هستند. پروفیسور مایلز جکسون در خصوص دادگاه‌های بین‌المللی کیفری جایگزین می‌نویسد: «این دادگاه‌ها ممکن است در سراسر قاره، مانند دادگاه آفریقا، یا چندجانبه یا حتی دوجانبه باشند، که در آن دو دولت یک دادگاه کیفری برای تعقیب جرایم در یک درگیری خاص تأسیس می‌کنند که این مهم می‌تواند یک گزینه تحول‌گرا باشد. در حالی که قبلاً پذیرفته شده بود که دیوان بین‌المللی کیفری نمی‌تواند بر اتباع دولتهایی که به صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری ملحق نشده‌اند و حق وتو را داشته‌اند، صلاحیت داشته باشد. جهان در حال حاضر به دنبال این است که بداند آیا ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه را می‌تواند در خارج از کشور به دلیل جنایت تجاوز و جنایات جنگی برای تهاجم به اوکراین تحت تعقیب قرار دهد؟ و دیوان کیفری بین‌المللی در حال انجام تحقیقات است، اگرچه اساس صلاحیت آن نامشخص است.» (Climate Justice Desserts, 2022:11) گزینه تحول‌گرای دیگر می‌تواند یک دادگاه موضوعی تحت یک معاهده جدید مثلاً در حوزه تغییرات اقلیم یا جرائم زیست محیطی باشد. هرچند این مهم نیازمند اراده بین‌المللی و یک دیپلماسی پیش برنده دارد. در واقع این یک گام مؤثر در جهت تحقق صلاحیت جهانی نیز تلقی می‌گردد.

۳-۱- نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛ اتحاد برای صلح

مجمع عمومی سازمان ملل متحد مسلماً عادلانه‌ترین مجمع در جهان است، زیرا تقریباً همه کشورها عضو آن هستند و از اصل «یک عضو-یک رأی» پیروی می‌کند. تصور فعلی این است که قدرتی برای ایجاد یک مجمع با صلاحیت قضایی بر همه دولت‌ها، از جمله شوراهایی که در شورای امنیت سازمان ملل حق وتو دارند، وجود ندارد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌تواند قدرت خود را برای صلح در جایی اعمال کند که شورای امنیت سازمان ملل در مورد مسائل مهم اقدام نکند. این در رابطه با درگیری کره در سال ۱۹۵۰ انجام شد، زمانی که اتحاد جماهیر شوروی سابق تمام قطعنامه‌هایی را که منجر به اقدام می‌شد مسدود کرد. در پاسخ به این ناتوانی در اقدام، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۳۷۷ (V) را در مورد «اتحاد برای صلح» به تصویب

بین‌المللی بررسی خواهد کرد». (UN Security Council, 2021: 15)

به هر ترتیب «صلح و امنیت بین‌المللی» به راحتی می‌تواند در مورد تغییرات اقلیمی نیز اعمال شود. در این راستا، ناکامی شورای امنیت سازمان ملل در اقدام به محاکمه سران کشورهایی که باعث تغییرات اقلیمی شده‌اند می‌تواند توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد رسیدگی قرار گیرد.

۴-۲- دیوان بین‌المللی کیفری و اکوساید

از اکوساید به عنوان «اعمال ناخواسته» که باعث «آسیب شدید» و «زیان گسترده یا طولانی مدت» به محیط زیست شده، یاد می‌شود. به نظر می‌رسد تبدیل «اکوساید» به پنجمین جنایت بین‌المللی، معتبرترین و پیشرفته‌ترین تلاش تا به امروز برای گسترش صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری بوده و یکی از ابزارهای مؤثر و پیش برنده برای تحقق این مهم مباحث انتقادی دانشگاهیان و حقوق‌دانان درباره امکان‌پذیری سیاسی یک جنایت بین‌المللی زیست‌محیطی است. در این راستا می‌تواند کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را از هم جدا کرد و کشورهای آلوده‌کننده از جمله ایالات متحده، چین، روسیه و هند را که هیچ‌کدام دادگاه را به رسمیت نمی‌شناسند، وادار کرد تا خود را از حالت خودایمنی در برابر صلاحیت دادگاه مصون ندانند. (قلی‌پور و مهرا، ۱۳۹۹: ۴۷) این در حالی است که فعالان اقلیم هشدار فزاینده‌ای را نسبت به انتشار گاز دی‌اکسید کربن، از دست دادن تنوع زیستی و تشدید آلودگی ابراز کرده‌اند. این مهم را شواهد و قرائن نشان می‌دهند و تجربه مطالعاتی و تحقیقاتی نشانگر التهاب زیست کره در اثر تغییرات اقلیمی است و اینکه چرا ضرورت جرم‌انگاری آن درست درک نمی‌شود، جای تعجب دارد.

از زمان لازم‌الاجرا شدن اساسنامه رم در ۱ ژوئیه ۲۰۰۲، دیوان تنها صلاحیت رسیدگی به چهار جنایت نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز را داشته است. حال زمان آن رسیده تا از یک‌سو با بازنگری در اساسنامه دیوان، اکوساید نیز به عنوان پنجمین جرم معرفی گردد. از سوی دیگر احیاء ماده ۱۹ طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها

است که با این اقدام می‌توان به آینده حیات زیست کره بیشتر امیدوار شد و حداقل به حیات روبه‌رشد نسل آینده امیدوارتر می‌شویم. به ترتیب، اکوساید را می‌توان به عنوان «اعمال غیرقانونی یا عمدی که با آگاهی از احتمال وجود آسیب شدید و گسترده یا طولانی‌مدت به محیط زیست ناشی از آن اعمال انجام می‌شود» تعریف کرد. این بیان به سبب وجود بحران‌های زیست‌محیطی کنونی که عمدتاً نتیجه الگوهای عمدی و ناپایدار استفاده از منابع توسط دولت‌ها در کشورهای شمال بوده، ارائه می‌شود. در حال حاضر، ایالات متحده، چین، روسیه، هند و برخی دیگر از کشورهایی که بیشترین آلودگی را دارند در این دادگاه عضویت ندارند.

در زمینه تغییرات اقلیمی، که تنها یکی از جنبه‌های آلودگی انبوه است، ایالات متحده با حدود بیست درصد انتشار گازهای گلخانه‌ای جهان، بزرگترین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای است. چین اکنون به کشور پیشرو در انتشار کربن تبدیل شده است و ایالات متحده در رتبه دوم قرار دارند. (Surma, 2022: 3) این رویکرد سبب شده تا کشورهایی که سهم کمی در بحران‌های آلودگی جهان داشته‌اند، نخواهند خود را به قوانینی ملزم کنند که کشورهای آلوده‌کننده اصلی از آن فرار می‌کنند. هرچند کشورهای جنوب ممکن است با یک جنایت جدید اکوساید که فقط به صورت آتی اعمال می‌شود، مشکل داشته باشند اما کشورهای در حال توسعه را از انجام همان رفتارهای مضر برای محیط‌زیست که کشورهای ثروتمند برای جمع‌آوری ثروت و توسعه انجام می‌دهند، منع می‌کنند. در این راستا، شکاف بالقوه بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بر سر جنایت اکوساید یک مسأله آشنا در حاکمیت محیط زیست جهانی است و مشکلات متأثر از این شکاف چندین دهه است که مذاکرات بین‌المللی اقلیمی را درگیر کرده است. این نقطه نظر ناپیوستگی از اذهان دور بماند که در بحث‌های تحت کنوانسیون چارچوب سازمان ملل در مورد تغییرات آب و هوا، پیشرفت عمدتاً از طریق اقدام داوطلبانه ملی با تعهداتی که در طول زمان افزایش می‌یابد، (مانند توافقنامه پاریس) حاصل شده است. از سوی دیگر، تصویب جنایت بین‌المللی اکوساید، تعهدی الزام‌آور خواهد بود که عنصری از حاکمیت ملی را به دیوان بین‌المللی کیفری که

تعهدی با ریسک بالاتر برای دولت‌هاست، واگذار می‌نماید.
(Surma, 2022: 3)

نکته مدنظر این است که دیوان صلاحیت رسیدگی به چه کسی را دارد و اینکه آیا در صورت اضافه شدن جرم اکوساید صلاحیت رسیدگی تغییر خواهد کرد؟ اساسنامه رم فقط صلاحیت رسیدگی به جرم افراد را دارد. به نظر می‌رسد در این خصوص بایستی صلاحیت دیوان را گسترش داد تا توانایی تعقیب شرکت‌ها را نیز شامل شود. هرچند مسؤلیت فردی قوی‌ترین عامل بازدارنده است و همچنان به دادستان دادگاه اجازه می‌دهد تا اقدامات افراد را بررسی نماید اما، اقدامات زیست محیطی اصلاحی ممکن است تنها در صورتی امکان‌پذیر باشد که شرکت‌ها وارد لیست صلاحیت شوند. البته این مهم چالش‌های خاص خود را خواهد داشت. از جمله چالش‌ها، یکی اینکه به‌طور یکسان و پیوسته قانون اکوساید بر رفتارهای آلوده‌کننده اعمال شود. چالش دیگر، این نگرانی وجود دارد که جنایت اکوساید رویکرد سیاسی داشته باشد.

با این توصیف، اصلاح اساسنامه رم برای افزودن اکوساید ابتدا مستلزم آن است که یکی از ۱۲۳ کشور عضو دیوان به‌طور رسمی آن را پیشنهاد کند. سپس، یک فرآیند چند مرحله‌ای مستلزم تصویب اصلاحیه دو سوم اعضای دیوان «در حال حاضر حدود ۸۲ کشور» است. سپس، کشورها باید جرم جدید را در سطح ملی تأیید کنند تا صلاحیت دیوان را در مورد اکوساید بپذیرند. از این‌رو، می‌توان اذعان داشت که اساسنامه رم را یک سند زنده است و اکوساید شایسته بحث بسیار جدی است. اما در نهایت این کشورهاستند که تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند جنایات جدیدی را از طریق فرآیندی که مستلزم «توافق بسیار گسترده» است اضافه کنند. لذا تا به امروز، حداقل ۲۳ کشور در مورد چشم‌انداز جنایت اکوساید بحث کرده‌اند و به نظر می‌رسد که کشورها بایستی قوانین ملی را دنبال کنند که این مهم شامل به رسمیت شناختن و حمایت از مدافعان حقوق محیط زیست، حفاظت از جنگل‌ها و فضای سبز، به رسمیت شناختن حق طبیعت و از همه مهمتر جرم‌انگاری سبز است.

در بیستمین نشست مجمع کشورهای عضو به تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۲۱ که به میزبانی جمهوری وانواتو با محوریت «جنايات اقليمي در ديوان بين‌المللي كيفري» برگزار شد، نکات مهمی مطرح گردید. سال ۲۰۲۰ با ۲۷۷ حمله مرگبار، خطرناک‌ترین سال ثبت شده برای فعالان محیط زیست بود. در این خصوص، کمپین نگهبانان جنگل که یک مرکز بسیج عمومی است، گزارش خود را به اشتراک گذاشت. این مرکز با رویکرد مشارکت شهروندان و نوآوری اجتماعی با دفاتری در مکزیک، کلمبیا و آرژانتین، با رهبری جمعی به‌عنوان نیروی محرک برای تغییرات اجتماعی با استفاده از ابزارهای فناوری کار می‌کند. هدف آنها ترویج برنامه‌های ذینفعان کم‌اثر در داخل دموکراسی‌ها در منطقه آمریکای لاتین است. کمپین نگهبانان جنگل با اتحاد جوامع بومی و محلی، که پس از توافقنامه پاریس در سال ۲۰۱۶ به وجود آمد، برای بسیج افکار عمومی برای درک نقش حیاتی جوامع بومی و محلی در پیشگیری و مبارزه با تغییرات اقلیمی تلاش می‌کند.

مجموعه‌ای از چالش‌هایی را که توسط این مرکز شناسایی شده که رهبران بومی و جوامع محلی از سراسر جهان در مبارزه با تغییرات اقلیمی در آن سهیم هستند، عبارتند از: اول، کشتار و آزار و اذیت مدافعان محیط زیست؛ دوم، مطالبه حق آگاهی جوامع بومی و محلی در رابطه با پروژه‌های دارای اثرات زیست محیطی؛ سوم، مبارزه برای به رسمیت شناختن حقوق زمین؛ چهارم، درخواست دانش سنتی برای اینکه بخشی از سیاست‌های تغییر اقلیم باشد؛ و در نهایت، حق دسترسی مستقیم به بودجه اقلیمی نیز مدنظر قرار دارد. این کمپین عمدتاً بر پیگرد قانونی قتل فعالان محیط زیست متمرکز است. در واقع، افزایش مرگ و میر طرفداران اقلیمی وجود داشته که از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰، ۳۲۷ رهبر محیط زیست در سراسر جهان به قتل رسیده‌اند که ۶۹ درصد از آنها رهبران بومی یا محلی بودند. با این حال، همگرایی بازیگران غیرقانونی و دولتی در حمله به رهبران محیط زیست، پاسخگویی را دشوار می‌کند. در نهایت، جوامع بومی و محلی به‌عنوان سپر انسانی قلمروهای خود می‌کنند. (Manzano, 2021:6)

اقلیمی و از سوی دیگر نقص ظرفیت سازی بین‌المللی در این خصوص سبب گردیده تا صلح و امنیت بین‌المللی نیز دستخوش این مغایرت‌ها بشود.

از این رو سؤال پژوهش حاضر ما این بود که تاب‌آوری نظام حقوق بین‌المللی کیفری تا چه میزان به تحقق جرم‌انگاری مخاطرات اقلیمی در پرتو عدالت زیست محیطی نزدیک است؟ یافته پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ظرفیت‌های موجود زمینه تحقق جرم‌انگاری اقلیمی را فراهم ساخته اما تعهدات بین‌المللی و مسؤولیت دولت‌ها با این روند همخوانی مناسبی ندارد. در این پژوهش اشاره گردید که صلاحیت اعمالی دیوان بین‌المللی کیفری تحت حمایت ارکان‌های سازمان ملل متحد می‌توان اثربخش باشد ولیکن کشورهای مولد گازهای گلخانه‌ای عملاً این موضوع را دچار چالش نموده‌اند. این مهم سبب گردیده زمینه کیفری اقلیمی و به نوعی زمینه جرایم محیط زیستی در یک حالت توقف قرار گیرد. باین توصیف، به نظر می‌رسد مجمع عمومی سازمان ملل متحد بایستی به‌عنوان یک بازوی محرک قوی عمل نموده و نقش حمایتی خود را از این موضوع داشته باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

در اکتبر ۲۰۲۱، کمپین گنجاندن جرم اکوساید در اساسنامه رم، پرونده‌ای در مورد جنگل‌زدایی گسترده جنگل‌های آمازون را به دیوان بین‌المللی کیفری ارسال کرد. این موضوع در مورد جنگل‌زدایی انبوه جنگل‌های آمازون توسط رئیس‌جمهور برزیل ارائه گردید. در این راستا بیان گردید که این پرونده ممکن است قابل پذیرش نباشد، اما خاطر نشان شد که ممکن است محدودیت‌های فعلی اساسنامه رم در هدف قرار دادن جنایات اقلیمی آشکار شود. در این راستا پیشنهاد شد که اساسنامه رم، به‌عنوان یک معاهده انسان محور، این موضوع را مدنظر قرار دهد. (Manzano, 2021:7)

به هر حال فقدان سابقه در خصوص جرایم اقلیمی نباید مانعی برای دعوی قضایی برای مبارزه برای عدالت بین‌المللی زیست محیطی باشد.^۱

نتیجه‌گیری

با مذاقه در پژوهش حاضر پیرامون عدالت اقلیمی و تغییرات اقلیمی و رویکرد بین‌المللی در جرم‌انگاری و کیفرگذاری، به‌نظر می‌رسد که زمینه تحقق این مهم در پرتو عدالت زیست محیطی امکان‌پذیر است. اما با وجود برخی از تعهدات بین‌المللی هنوز عدم پیروی دولت‌ها و بازیگران غیردولتی دیده می‌شود.

اینکه مخاطرات زیست محیطی مبنای توجیهی کیفرانگاری مناسبی در سطح بین‌المللی ندارد و هنوز در لیست صلاحیت جهانی تقیدی نیافته، لذا این مسأله با چالش‌هایی مواجه بوده است. از یک سو تعارض عدالت زیست محیطی با عدالت

^۱ - جمع‌سپاری پایدار به دنبال آزاد کردن قدرت مردم در همه‌جا برای کمک به معکوس کردن گرمایش جهانی است. این مهم برای کسانی است که این درک را دارند و می‌دانند که تغییرات آب و هوایی چقدر خطرناک و قریب‌الوقوع است و متوجه می‌شوند راهی که جامعه در آن قرار دارد غیرقابل قبول است و می‌خواهند هر کاری که می‌توانند برای کمک انجام دهد. این ساختار، انرژی جمعی، هوش و اقدامات مردم در سراسر جهان را ترکیب می‌کند تا پایداری بیشتری را در جهان جمع‌آوری کند. بنابراین جمع‌سپاری پایدار بر دو محور درک مشکل «تغییر آب و هوا» و راه‌های حل مؤثر آن «پایداری» متمرکز است. (Muller, 2015: 26) در این راستا جمع‌سپاری یکی از ابزارهای مهم مشارکت در جهت رفع مخاطرات اقلیمی می‌تواند منشاء اثر باشد. در واقع این مهم در راستای تحقق اصل اطلاع‌رسانی و اصل مشارکت حرکت کرده و زمینه‌ای برای ترویج گفت‌وگو تغییر اقلیم است.

- Muller, C.L (2015). *Crowdsourcing for Climate and Atmospheric Sciences:*

Current Status and Future Potential. Available at: https://e-space.mmu.ac.uk/974/7/Crowdsourcing_for_climate_and_atmospheri.pdf (Last visit: 2021)

- Manzano, A (2021). *Climate Crime at the International Criminal Court, 20th Session of The Assembly of States Parties, Hosted by: Republic of Vanuatu.* Available at: <https://www.publicinternationallawandpolicygroup.org/lawyer-justice-blog/2021/12/6/asp20-side-event-climate-crime-at-the-international-criminal-court>. (Last visit: 2021)

- Owiso, O (2021). *ICC Sanctions Symposium: The United States of America, Racism and Sanctions Meet at the International Criminal Court, Opinion Juris.* Available at: <http://opiniojuris.org/2021/04/19/icc-sanctions-symposium-the-united-states-of-america-racism-and-sanctions-meet-at-the-international-criminal-court/>. (Last visit: 2021)

- Surma, K (2022). *The International Criminal Court Turns 20 in Turbulent Times. Should 'Ecocide' Be Added to its List of Crimes?.* Available at: Inside Climate News, <https://insideclimatenews.org/news/10072022/international-criminal-court-20-years-ecocide>. (Last visit: 2021)

- UN Security Council (2021). *Press Release, SC/14445, Climate Change 'Biggest Threat Modern Humans Have Ever Faced', World-Renowned Naturalist Tells Security Council, Calls for Greater Global Cooperation.* Available at: <https://www.un.org/press/en/2021/sc14445.doc.htm>. (Last visit: 2021)

- Tuerk, H (2018). "Combating Terrorism at Sea". *U. Miami INTL and COMP.L.REV*, 15: 46-70.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- بذار، وحید (۱۴۰۰). *اکوسید و دیوان کیفری بین‌المللی.* تالار گفتگوی تخصصی حقوقی و سیاسی بین‌المللی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، به نشانی: <https://unstudies.ir/iauns>

- طیبی، سبحان و پوره‌اشمی، سیدعباس (۱۳۹۶). «مقابله با اکو تروریسم جهانی در پرتو دیپلماسی بین‌المللی محیط‌زیست». *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۳(۲): ۳۸-۵۳.

- قلی پور، غلامرضا و مهرا، نسرين (۱۳۹۹). «جنایت اکوساید؛ گذشته، حال و آینده». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۸(۲): ۴۳-۸۱.

ب. منابع انگلیسی

- Climate Crime at the ICC (2022). *Environmental Justice through the Looking Glass Patrick Canning, Environmental, Natural Resources, & Energy Law.* Available at: <https://law.lclark.edu/live/blogs/177-climate-crime-at-the-icc-environmental-justice>. (Last visit: 2021)

- Climate Justice Desserts (2022). *The UNGA is the Climate Justice Forum to Address the Prosecution of Heads of State for Climate Crime - Patrick Canning, Environmental, Natural Resources, & Energy Law Blog.* Available at: <https://www.lclark.edu/live/blogs/189-climate-justice-desserts-the-unga-is-the-climate>. (Last visit: 2021)

- IPCC (2022). *Sixth Assessment Report, Climate Change and Crime.* Available at: <https://www.ipcc.ch/assessment-report/ar6>. (Last visit: 2021)

- Shue, H (2014). *Climate Justice: Vulnerability and Protection.* Oxford: Oxford University Press.

- Lovelace, R (2009). *Notes from Prison, in Speaking for Ourselves: Environmental Justice in Canada.* Canada: UBC Press.